



مهناز بیرانوند

روزنامه نگار

یادداشت

کارگران ستون‌های خاموش اقتصاد

هنگامی که مقام معظم رهبری سال ۱۴۰۴ را سال سرمایه‌گذاری برای تولید نامیدند، نگاه نخست مخاطبان به سوی ظاهر شعار یعنی سرمایه‌گذاری و سیاست‌گذاری برای بنگاه‌های بزرگ اقتصادی رفت. اما در این معادله پیچیده، کارگران همان حلقه گمشده‌ای هستند که بدون توجه به آن، هیچ راهبرد کلائی به سرانجام نمی‌رسد.

کارگران، ستون‌های خاموش اقتصاد ایران هستند؛ کسانی که زیر چرخ‌دنده‌های تورم، ناامنی شغلی و فرسایش اجتماعی، همچنان بار تولید را به دوش می‌کشند. در حالی که طی سال‌های اخیر خواسته رهبر انقلاب رسیدگی به اوضاع اقتصادی جامعه بوده، در عمل، وضعیت معیشتی و رفاهی کارگران از ثبات و توسعه فاصله گرفته است. بر اساس داده‌های

مرکز آمار ایران، بیش از ۱۳ میلیون نفر از جمعیت شاغل کشور را کارگران تشکیل می‌دهند که سهم بالایی از آنان در مشاغل خدماتی، تولیدی و صنعتی مشغول به کارند. با این حال، برآوردها نشان می‌دهد که قدرت خرید یک خانوار کارگری در سال ۱۴۰۳ نسبت به سه سال قبل، حدود ۴۵ درصد کاهش یافته و سبد معیشت با شکاف عمیقی از حداقل دستمزد تعیین‌شده، مواجه است.

بزرگ‌ترین خطای تاریخی در سیاست‌گذاری اقتصادی کشور، تلقی «هزینه» بودن نیروی کار به‌جای «سرمایه» بوده است. اغلب کارفرمایان و حتی برخی نهادهای تصمیم‌گیر، حمایت از کارگران را مترادف با افزایش بار مالی و کاهش سوددهی تلقی کرده‌اند، حال آن‌که در اقتصادهای پیشرفته، نیروی کار ماهر، مهم‌ترین مزیت رقابتی محسوب می‌شود. در بسیاری از کشورهای صنعتی، اتحادیه‌های کارگری نقش فعالی در چانه‌زنی با دولت و بخش خصوصی دارند. در ایران، ضعف تاریخی در سازمان‌دهی این نهادها، عدم استقلال مالی و حقوقی و محدودیت‌های فعالیت مدنی، باعث شده نیاید و پیگیری حقوقی منسجمی نداشته باشد. برای اینکه حمایت از کارگر، به یک برنامه واقعی و نه صرفاً شعار تبدیل شود، مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ میان دولت، کارفرمایان و نهادهای مدنی لازم است. مهم‌ترین محورهای این تحول عبارتند از:

۱. تمیم مزد بر مبنای واقعیت اقتصادی: کمیته‌های مزد باید به‌جای چانه‌زنی صرف میان نمایندگان کارگر و کارفرما، از داده‌های واقعی سبد معیشت، نرخ تورم منطقه‌ای و خط فقر استفاده کنند.
۲. تضمین امنیت شغلی و کاهش قراردادهای موقت: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی باید با اصلاح آیین‌نامه‌های مربوط به قراردادهای موقت، حداقل مدت قراردادهای افزایش داده و مشوق‌هایی برای قرارداد دائم در نظر بگیرد.
۳. سرمایه‌گذاری در مهارت‌افزایی و آموزش فنی: در شرایطی که فناوری با سرعت بالا در حال تغییر مشاغل است، بی‌توجهی به آموزش‌های مهارتی، بهره‌وری نیروی کار را کاهش می‌دهد. توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و ارتباط آن با بازار کار باید در اولویت سرمایه‌گذاری دولت قرار گیرد.
۴. تقویت بیمه‌ها و خدمات درمانی: توسعه پوشش بیمه‌ای برای کارگران فصلی، ساختمانی و مشاغل غیررسمی، به همراه اصلاح ساختار صندوق‌های بازنشستگی، گامی بلند در جهت ارتقای عدالت اجتماعی است.
۵. افزایش نظارت بر ایمی محیط کار: با توجه به آمار بالای حوادث شغلی در بخش‌های ساختمانی و صنعتی، اجرای جدی آیین‌نامه‌های ایمنی، ارزیابی دوره‌ای کارگاه‌ها و آموزش کارفرمایان ضروری است.

یکی از محورهای اصلی سیاست‌های رفاهی دولت چهاردهم، طرح کالابرگ الکترونیکی است که با هدف بهبود سبد غذایی، افزایش امنیت تغذیه‌ای و کنترل هزینه‌های معیشتی خانوارهای کم‌درآمد آغاز شده است. این طرح بیش از ۱۹ میلیون خانوار در قالب ۶۰ میلیون نفر از جمعیت دهک‌های اول تا هفتم درآمدی را شامل می‌شود و اعتبار تخصیص یافته به آن در هر نوبت، بالغ بر ۲۵ هزار میلیارد تومان است.

دهک‌بندی صحیح

در حالی که اجرای این طرح در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲ متوقف شده بود، با ابلاغ مصوبه اسفندماه هیئت وزیران و دستور مستقیم رئیس‌جمهور، از یازدهم اسفند همان سال، فاز جدید اجرای آن آغاز شد. بر این اساس، خانوارهای دهک‌های اول تا سوم به‌ویژه مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره) و بهزیستی، مشمول مرحله اول شارژ اعتبار شدند و در مراحل بعدی به خانوارهای دهک‌های چهار تا هفت نیز، اعتبار تعلق گرفت. طبق اعلام مرجان دبیری، سخنگوی طرح ملی کالابرگ الکترونیکی، این اقدام در راستای عدالت در حمایت معیشتی و جلوگیری از هدررفت منابع انجام شده است. به اعتقاد او، روش ترکیبی یارانه نقدی و کالابرگ، به‌طور هم‌زمان از افزایش نقدینگی و رشد

تورم جلوگیری کرده و ضمن هدفمند کردن یارانه، سبد غذایی خانوارها را نیز تقویت می‌کند. بر پایه اطلاعات وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مبلغ اعتبار کالابرگ بر اساس دهک‌بندی درآمدی متفاوت است. دهک‌های اول تا سوم به‌ازای هر نفر ۵۰۰ هزار تومان و دهک‌های چهار تا هفت به‌ازای هر نفر ۳۵۰ هزار تومان اعتبار دریافت می‌کنند. این اعتبار صرف خرید ۱۱ قلم کالای اساسی در گروه‌های لبنیات، پروتئین و خواربار می‌شود.

نخستین پیامک واریز

در فاز اول، واریز اسفند ۱۴۰۳ صورت گرفت و مرحله دوم نیز از ۱۳ فروردین ۱۴۰۴ برای دهک‌های اول تا سوم آغاز شد و از ۲۷ فروردین، دهک‌های چهار تا هفت نیز مشمول شدند. مهم‌ترین مزیت این طرح، حفظ قدرت خرید دهک‌های پایین درآمدی با وجود نوسانات قیمتی و افزایش عمومی هزینه‌های سبد غذایی خانوارهاست. راهبردهای اصلی این طرح را می‌توان در چند محور اصلی دسته‌بندی کرد: ارتقای امنیت غذایی از طریق تخصیص اقلام مشخص و تغذیه‌محور، کنترل نقدینگی و کاهش آثار تورمی یارانه نقدی، حمایت از تولید داخلی از طریق عرضه کالاهای ایرانی و تقویت توان خرید خانوارها در برابر افزایش قیمت کالاهای اساسی.

افزایش دستمزد و اثر بخشی آن بر معیشت کارگران

این حقوق تورم‌زانیست

تورم بالای ۴۰ درصد طی سال‌های اخیر بالای جان اقتصاد و معیشت شده، تا جایی که برخی بررسی‌ها گویای آن است که در مدت ۹۰ سال اخیر، سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۲ تنها بازه‌ای از تاریخ کشور بوده که برای چندین سال تورم بالغ بر ۴۰ درصدی ادامه داشته است. استمرار این وضعیت منجر به تغییر وضعیت معیشت جامعه شده است. به‌طوری که سفره خانوار دائماً کوچک و کوچک‌تر شده؛ موضوعی که در این سال‌ها تنها کار را برای مدیران دشوار کرده، بلکه حتی از سوی بالاترین مقامات کشور نیز به کرات مورد تأکید قرار گرفته که باید برای رفع آن چاره‌اندیشی شود.

دامن خواهد زد. این گروه بر این باورند که افزایش نرخ دستمزد کارگران می‌تواند منجر به کاهش حاشیه سود و در نهایت افزایش بهای تولید شود و در رشد تورم تأثیرگذار باشد. در مقابل عده‌ای بر این عقیده‌اند که با افزایش دستمزد کارگران، قدرت خرید آنان افزایش می‌یابد و بر خروج بازار از رکود و رونق اقتصادی اثر می‌گذارد که این روندی می‌تواند بر رشد تولید و بهبود اوضاع صنایع مؤثر باشد. به این ترتیب با بهبود تولید، حاشیه سود تولیدکنندگان و صاحبان بنگاه‌های اقتصادی نیز ارتقا می‌یابد. حال تصویب افزایش ۴۵ درصدی حداقل دستمزد کارگران که با همراهی مؤثر دولت و کارفرمایان صورت گرفته، به‌طور حتم بالاتر از نرخ تورم اعلامی از سوی مراجع رسمی آماری بوده و می‌تواند اقدامی مثبت و اثرگذار در جهت افزایش قدرت خرید و بهبود وضع معیشت خانوارهای کارگری و کاهش شکاف بین تورم و هزینه معیشت کارگران باشد. از سوی دیگر لازم به ذکر است که از ۱۶ میلیون بیمه‌پرداز سازمان تأمین اجتماعی، فقط ۲.۵ میلیون نفر حداقل مزد را دریافت می‌کنند. این ۱۵ درصد نیروی کار را در بر می‌گیرد که مشمول افزایش ۴۵ درصدی شده‌اند و سایر گروه‌ها ۴۲ درصد افزایش حقوق دارند؛ رقمی که تقریباً همپای تورم سال ۱۴۰۳ حرکت کرده و تفاوت فاحشی با نرخ تورم سالانه اعلامی ندارد. در پایان باید گفت، نطر به تأمین نیروی کار با کیفیت، حداقلی‌ترین کار آن است که در پرداخت دستمزد، رقمی لحاظ شود که بتواند کالری مورد نیاز و کافی برای نیروی کار را تأمین کند تا نیروی انسانی بتواند با بهره‌وری در بخش تولید به فعالیت بپردازد. حال در شرایطی وارد ماه دوم سال شده‌ایم که با وجود اظهارات برخی کارشناسان، افزایش حقوق صورت گرفته، تأثیر خاص و محسوسی روی تورم نداشته و آمارهای رسمی منتشر شده تفاوت قابل توجهی در تورم نشان نداده است. البته هم‌زمان بهبود شرایط دستمزدی به همراه سیاست‌های دیگری چون تخصیص کالابرگ، باعث شده که قدرت خرید در میان قشر حداقل‌گیر و دهک‌های پایین جامعه افزایش پیدا کند.

ضرورت تجدیدنظر در سیاست مزدی

کشورهای متعدد از جمله ترکیه زمانی که درگیر تورم بالا می‌شوند، بحث افزایش حقوق فصلی را در نظر گرفته و به‌طور متناوب حقوق را نیز بالا می‌برند، اما در کشور ما سال‌هاست بحث افزایش دستمزد، سالانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. حال در شرایطی که تمام هزینه‌ها در این مدت رشد چند ده درصدی داشته، لازم است برای کنترل معیشت خانواده و امنیت اجتماع، دستمزد نیز رشدی منطقی داشته باشد. البته در سال ۱۴۰۱ نیز شاهد افزایش ۵۷ درصدی دستمزدها بودیم که این روند نغدهای متعددی به همراه داشت و حتی منجر به بیکاری بسیاری افراد شد، چرا که کارفرمایان به یک‌باره این قدرت را نداشتند که بتوانند چنین حقوق‌هایی پرداخت کنند. به همین دلیل بسیاری از آن‌ها به سمت تعدیل نیرو گام برداشتند که در نهایت باعث شد بازنده این بازی بار دیگر نیروی کار باشد. همان‌طور که اشاره شد در سال جاری، حتی خود نمایندگان جامعه کارفرمایی نیز با توجه به شرایط جامعه این نکته را قبول داشتند که لازم است افزایش دستمزدها با نرخی جدی‌تر از سنوات قبل دنبال شود. تفاوت جدی افزایش حقوق ۱۴۰۴ با سالیان گذشته آن است که در این مقطع زمانی، بسیاری از کارفرمایان با معضل تأمین نیروی انسانی مواجه شده‌اند. دلیل این است که هم‌اکنون حدود ۱.۵ میلیون تقاضا در شرکت‌های کارایی و شهرک‌های صنعتی برای جذب نیروی کار وجود دارد، اما کارگران با این دستمزدهای پایین حاضر به کار نیستند و به دنبال دستمزدهای بالاتر هستند. بنابراین افزایش دستمزدها تمایل کارگران را برای ورود به کارخانه‌ها افزایش خواهد داد.

دو نگاه به یک تصمیم مزدی

نقد دیگر اما بحث تورم‌زایی افزایش دستمزد است. هرگاه این رویکرد در دستور کار قرار می‌گیرد، برخی از اقتصاددانان و فعالان اقتصادی بر این نکته تأکید می‌کنند که چنین افزایشی به تورم

